



انگوشترای خودم را می توانم ای
کارگران ایران را بر سر بلند از زمین بیاورم

پیام به کارگران و زحمتکشان ایران

دو کارگزاران خود را به معنی کارگری مجبور آورده است. حزب توده ایران، و شورای متحده مرکزی، احزاب مترقی و سایر سازمانهای مردمگرایانه و غیر قانونی به اطلاع کرده اند و کلوب های آنها با شرکت و عضویت خود در روزنامه های آنها تحت توفیق دو آدامه، گروه کثیری از آزادی خواهان و رهبران طبقات متشکک بر بدن افغانه، با اعلام حکومت نظامی هر گونه آزادی سیاسی و اجتماعی از میان رفت. محاکمه نظامی، افسوسناک و بی پروا و وحشتناک بسیاری از آزادیخواهان و رهبران و فعالان اتحادیه های کارگری را با ساقها و دندان محاکمه ساختند.

طبقه کارگر درجه فاسد طبقات حاکم و نیروهای امپریالیستی در پی هر هدف ضربت نظامی فرار گرفتند. جوامعی که کارگران را از مبارزه بیرون می کشد به کف آورده اند. زیر پرچم سازمان کومینترن، هر گونه آزادی سیاسی را از بین بردند. دست نهی کار فرمایان سرافراز سربردها پیش آمد. هر طبقه کارگر و زحمتکش هر روز دلدور آسوده نمی سفروند قانون دائمی کار موقوف الاجرا ماند. در همین زمان نیروهای امپریالیستی فرصت یافتند که آزادی بیشتری به این تجاوزات خود را توسعه دهند. طبقات حاکم با پایمالی کردن منابع ملی، اجرائی فتنه های امپریالیستی برداشتند. مجلس با زورده طغنه مدعی ملت ساله را توسط گروه ویرانگر ایران و تبدیل آن به پانگامه نظامی حاکم مدعی آمریکا و انگلیس صحنه وفاق و در کفایت، کار با کفایت نامی، این پانگامه استعزازی امپریالیست انگلستان ادامه یافت. پای مثال سیاسی آمریکا و انگلیس پیش از پیش فروغ ما باز شد. صراط با این اقدامات خصمانه، مجبور از راه های خارجی بر بازار ایران شست و دست یافت. در

پیش از یکسان میگرد که طبقات حاکم ایران، مالکین سرمایه داران به پشت گرمی دولت های استعمار طلب بر سازمان های کارگران و زحمتکشان وطن ما مجبور شده اند. نوای سیاه ارتجاع داخلی و امپریالیسم از زخمهایشنت کارگری و بیماری نودمهای زحمتکش ملت ما، بوخت افغانه بود و از منتهای پیش فرست و بهای بی جهت تا سازمانهای مترقی و آزادیخواه امپریالیست را کوب کند. واقعه ساشنگ ۱۵ بهمن چنین فرمایشی را برای طبقات حاکم امپریالیست پیش آورد. متعاقب این واقعه نیروهای مترقی و پایس بر سازمانهای

فدراسیون سندیکائی جهانی

که کارگران ایران به یاد گرفته اند و به رهبری شورای متحده مرکزی و پیشانی فدراسیون جهانی به حق طلبی برخاسته اند. ۳- فدراسیون اول فدراسیون جهانی، امپریالیستی می نبودند که مستقلا با بدست هیتلری حاکم این کشورها با اعزاز زور و سرانبره، نهضت های کارگری را ریختن کنند ولی پس از کوشش بسیار فدراسیون که دیگر نمی توان با توسل به اسراج، حبس، تبعیض و سایر کارگران را از مبارزه طبقاتی و روگردان نمود لذا بلکه هیتلری حاکم مراد و به اتحادیه سازی و تفرقه اندازی چند کارگران برداشتند. کسریه ظاهراً موفق گشته و اتحادیه های ویکاریکی وجود آورده ولی هر این اتحادیه سازی نیز کوتاه بود. پس لاچنه سیاسی اتحادیه سازمان خیاقتیست تری جز رنگ و سرفراکتگی نبرده.

فدایح سوم چهارده ماهه دیکتاتوری و بروز شده است. سازمان برنامه که تاکنون ملیونها تومان از پول ملت را شرح کرده کوچکترین قسمی دفع ملت برداشته است. جزدادن حقوقهای سرسام آور به بورژوازیها و مستشاران امریکایی کار دیگری در برنامه «سازمان برنامه» قرار نگرفته است.

فدایح سوم چهارده ماهه دیکتاتوری و بروز شده است. سازمان برنامه که تاکنون ملیونها تومان از پول ملت را شرح کرده کوچکترین قسمی دفع ملت برداشته است. جزدادن حقوقهای سرسام آور به بورژوازیها و مستشاران امریکایی کار دیگری در برنامه «سازمان برنامه» قرار نگرفته است. فدراسیون سندیکائی جهانی در حال حاضر در مبارزه می گیرد این پانگامه عظیم کارگری در راه سعادت کارگران آزادی سندیکائی و صلح جهانی توسعه یافته است که امروز نه تنها تودارستند کتان دنیا بلکه ملیونها مردمان و زنان آرزومند صلح به پیشانی از فدراسیون جهانی برخاسته اند. علامه وقایع ۱- فدراسیون جهانی از تشکیل و پیدایش (اکتبر سال ۱۹۴۵) به فعالیت سندیکائی وسیعی دستورات و کنفرانس های به مسئول برداشتند. شافه این حقیقت گزارشهای مشروحی است که از طرف میت های ازمایس با این قطعه فدراسیون جهانی تسلیم گردیده است. تمام این گزارشها در ملیونها نسخه به زبانهای فرانسه، انگلیسی، روسی، اسپانیولی و ایتالیایی طبع و منتشر گردیده است. فدراسیون جهانی با این عمل طرز شدت انکار را به روی زده از وقتار بر سر استوار چیلان و استرالیا کارگران برداشت و این خود قسم موثری در راه آزادی واقعی نوده زحمتکشان جهان است. ۲- فعالیت های سندیکائی فدراسیون جهانی در دستورات و کنفرانس های به مسائل سرمایه داری بین المللی و استعمارطلبانرا به پشت انبساط زیرا حق طلبی برای اصولی و مبارزه متشکل کارگران، صدای ناقوس مرگ را در گوش آنان طبلین انداخته بود.

به مناسبت سال نو

شورای متحده مرکزی بنامیت سال نو بکارگران و زحمتکشان ایران که در صلح مقدم مبارزه بر سر ارتجاع داخلی و امپریالیسم فرار گرفته اند طریقه نمیشانتند کارگری و صلوات و حقیقت است که حاکم مبارزه تیر بهش خود ادامه نمیدهند و میفرستند کارگران مبارزه سال نو را با تهنیت مبارزه و کوشش بیشتری بنظور همبستگی و وحدت طبقه کارگران ایران آغاز میکنند.

شورای متحده مرکزی اطمینان دارد که طبقه کارگران ایران در سال نو در شین ملت را که «بجفت» سر بریزد بیخواته اراده زحمتکشان را تسخیر کند فاجع را بسوزد و هم آتشکده مبارزه ضد امپریالیستی ملت های جهان بیکار میکند.

کوبترین مثال آامن هیتلری ازمایس به ایران است که منبر به مستحکم شدن پایه های مبارزه اصولی سندیکائی در کشور ساختار دیده. برای اولین بار سرمایه داران ایران و پیمانکاران شرکت نفت اهدیه

از تعطیل اجباری روزنامه ارگان زحمتکشان، چهارده ماه میگذرد. از حکومت شیاتکار در اینست جرفلاکت و بدبختی و مرگ که جزیره بگری صیبرستند کشان شده است. بیان طبقات هیتلر حاکم، و رشکشی کامل اقتصادی کشور ما را نشان میدهد. همین ما امروز در شرایطی سراب ناگوارتر از سال قبل بسر میبریم. بی استانی نسبت به مصالح ملی و مزدوری بی قید و شرط در پیشگاه امپریالیسم جبار و سرس از اقتصاد و ملواریا و روز بروز بیشتر در اسیر کجایر بحران و ورشکستگی می افتادند. کشور ما در دست در اختیار احضارالت خارجی در آمده و نیاز از فروش ملیهای امریکائی و انگلیسی مبدل شده است. سبیل لایقانی هم ضروری و بر سر است. بطرف کشور ما روان است. قدرت خرید زحمتکشان با اندامی با این آمده که اکثریت توده با عیان آنها از سر به کوششگری کلای خود را از خوشی عاجزند. در لیل و روزه بی بند و بار کالا- های خارجی، کارخانجات داخلی را منجمود می تطیل شده و یکی پس از دیگری به دست می شوند. روزی نیست که صد ها نفر از کارگران و زحمتکشان به آزادی بیکاران علاقه نهند، و نفرو فلاکت بر روی ملت سایه افکنند. و سرگ، چنگال خود را در حلقوم زحمتکشان فرو میبرد. در چنین شرایطی شاه جانش و برادران و شوهران فاسد و فرودمای آن ملیونها تومان دسترنج ملت را صرف خوشگذرانی خود میکنند و در همین حال با بیشرمی تمام اوسايت طبقات کارگر و دهقان دم میزند. گروه گروه از زحمتکشان از آذربایجان و سایر نقاط همین ماکه از لرزه گرسنگی زاده بودم خود وارث کرده اند مانند اسرای جنگی از این شهر به آن شهر کوچ داده میشوند. تقاضای بیکاران را برای بیست آوردن کار با سر بریزد پاسخ میدهند و حتی در روز افتتاح مجلس چند تن از آنان را ضاک و خون میکنند. دست دست کارگران کارخانجات اسفهان، تهران، تبریز، اهواز، بو شهر و خراسان از کار بیکار میگرددند، و حرکت نفت آخرین رفق کارگران را سبکیده و هر روز بیخوی آنها را از کار اخراج میکند. بیلبات بوج و هر طبقه و هر طبقه دولت در برابر برنامه هفت ساله با انتقاد

